

## جنبش حروفیه

بررسی منابع و مآخذ و تحقیقات جدید

(۲)

بیان الواقع: رساله دیگریست از سید شریف که با شرحی درباره معاد و روز رستاخیز آغاز می شود و سپس به شرح اشعاری از فضل الله استرابادی — بر اساس اندیشه های حروفی — می پردازد. سبک نگارش و شیوه شرح اشعار این رساله به سبک و نگارش شرح قصیده سید شریف شباهت دارد. مؤلف، بارها به عرش نامه فضل الله استناد کرده و ضمن شرح یکایک آیات، به مافرت خود به شهر انگوریه (آنقره) و شیراز اشاره نموده و نام رهبر حروفیان را شیخ علی ذکر کرده است. در این رساله نیز نام بسیاری از یاران و پیروان نزدیک فضل الله ذکر شده است.<sup>۳۷</sup>

استوانامه: اثر غیاث الدین محمد که پس از سال ۸۴۶ / ۱۴۴۳ تألیف شده است. این کتاب، از بهترین منابع در شرح و شناخت عقاید حروفیان است. مؤلف کتاب، اهل استراباد، و پیرو علی الاعلی (جانشین و خلیفه فضل الله) بوده و در این کتاب بارها از او و سخنانش یاد کرده است. از استوانامه بر می آید که مؤلف آن در جریان سوء قصد به شاهرخ، مدتی زندانی بوده و در زندان با امیر نورالله (پسر فضل الله) ملاقات کرده است. استوانامه، شامل بحث مفصلی درباره «روح انسانی بعد از خلع بدن»، مسأله «مکافات پس از مرگ» و «توصیف بهشت و جهنم» می باشد. این کتاب، خصوصاً، شرح مفصلی از گروه های مختلف حروفیان پس از مرگ فضل الله و عقاید دنیا گرایانه و کفر آمیز آنان را به دست می دهد که از نظر شناخت تحول اندیشه های حروفیان، بسیار ارزشمند است. استوانامه علاوه بر نقل بخشهایی از جاویدان نامه کبیر، محبت نامه و

عرش‌نامه فضل‌الله استرابادی، از فرزندان، پیروان اولیه و جانشینان او نیز اطلاعات ارزنده‌ای به دست می‌دهد.<sup>۲۸</sup>

نامه‌ای از پسر فضل‌الله حروفی: این نامه مفصل، خطاب به یکی از پیروان نزدیک فضل‌الله - به نام مولانا حسن - می‌باشد و در آن از دستگیری پسران فضل‌الله (امیر نورالله و امیر سلام‌الله) و چگونگی محاکمه آنان در برابر قاضیان و فقهای وقت، سخن رفته است. لحن تند و استهزاء آمیز این نامه، نفرت حروفیان را از حکومت تیموریان بیان می‌کند و در عین حال، تسلط و دانش فقهی پسران فضل‌الله در مباحثه با علما و فقهای تیموری را آشکار می‌سازد. این نامه شش سال پس از سوء قصد به شاهرخ، در سال ۱۴۳۳/۸۳۶ به وسیله غیاث‌الدین محمد (مؤلف استوانه) تحریر شده است. متأسفانه در تحقیقات موجود، به این سند مهم، توجهی نشده است.<sup>۲۹</sup>

در بشارت نامه (به ترکی) که در سال ۱۴۰۹/۸۱۱ به وسیله یکی از پیروان عمادالدین نسیمی به نام رفیعی<sup>۳۰</sup> تألیف شده، مؤلف از چگونگی آشنایی خود با اندیشه‌های حروفیان و احترام عمیق خود به عمادالدین نسیمی یاد کرده است. بشارت نامه یکی از مهمترین آثار است که در سراسر آن وجود اندیشه‌های حروفیان چشمگیر است.<sup>۳۱</sup> رفیعی در منظومه گنجنامه (به ترکی) نیز بار دیگر از عمادالدین نسیمی با ارادت و احترام بسیار یاد کرده است.<sup>۳۲</sup>

عشق نامه تألیف عبدالمجید فرشته زاده (به ترکی) یکی دیگر از منابع دست اول حروفیان است که به سال ۱۴۳۰/۸۳۳ تألیف شده. این کتاب در واقع ترجمه جاویدان‌نامه کبیر فضل‌الله استرابادی می‌باشد که مورد توجه حروفیان ترکیه بوده است. عشق نامه در ۳۲ فصل (بر اساس اعتقاد حروفیان به ۳۲ حرف) تنظیم شده و طی آن عقاید فضل‌الله استرابادی بیان گردیده است. گویا انتشار جنجال برانگیز این کتاب به سال ۱۸۷۱/۱۲۸۸ باعث تألیف کتاب کاشف‌الاسرار اسحق افندی گردید که در واقع «ردیه» ای بر مطالب عشق‌نامه در نفی بکتاشی‌ها و حروفیان عثمانی می‌باشد.<sup>۳۳</sup>

در پایان این بخش باید از رساله صلوات‌نامه یاد کرد. نویسنده این رساله، اشقورت دده - یکی از حروفیان معروف عثمانی - بوده که در سالهای بعد از ۱۰۳۰/۱۶۲۰ رساله خویش را تألیف کرده است. صلوات‌نامه از جهت استفاده از متون دست اول حروفیان، دارای اطلاعات بسیار ارزشمندی درباره زندگی و عقاید فضل‌الله استرابادی و پیروانش می‌باشد.<sup>۳۴</sup>

ب. منابع دست اول عام:

در این دسته از منابع، ابتدا باید از کتاب *ذوالفقود الفریده فی تراجم الاعیان المفیده* تألیف تقی‌الدین مقریزی (مرگ ۸۴۵ / ۱۴۴۲) یاد کرد. این کتاب - متأسفانه - به دست ما نرسیده، اما بخشهایی از آن در *الضوء اللامع* نقل شده است. مقریزی اطلاعی از عقاید فضل‌الله به دست نداده، با این حال وی را به «تعطیل» (انکار صفات خدایی) و مباح دانستن محرّمات و ترک واجبات متهم کرده است. مقریزی از کثرت پیروان فضل‌الله در سراسر جهان و نیز از مجالسی که علیه فضل‌الله در گیلان و سمرقند تشکیل شده یاد کرده است. او - همچنین به تعقیب و قتل عام حروفیان - به دنبال سوء قصد به شاهرخ تیموری به دست احمد لر حروفی (۸۳۰ / ۱۴۲۷) اشاره نموده و سال قتل فضل‌الله را ۸۰۴ / ۱۴۰۱ در النجا از توابع تبریز ذکر کرده است.<sup>۱۸</sup>

*زبدة التواریخ* نوشته حافظ ابرو (مرگ ۸۳۳ / ۱۴۳۰) از مهمترین منابع دوره تیموری است. مؤلف، مدتی در خدمت شاهرخ تیموری (۸۱۰ - ۸۵۱ / ۱۴۰۷ - ۱۴۴۷) بوده و وقایع زمان خود را به صورت سال‌شمار تا سال ۸۳۰ / ۱۴۲۷ ضبط کرده است. حافظ ابرو شرح کاملی از واقعه سوء قصد به شاهرخ توسط احمد لر (به سال ۸۳۰ / ۱۴۲۷) به دست داده، احمد لر را «محارب خدا و رسول او» نامیده و از دستگیر شدگان این واقعه نام برده است، اما کمترین اشاره‌ای به عقاید حروفیان نکرده است. مؤلف در پایان گزارش خود، از اصلاحات اجتماعی و اقدامات رفاهی شاهرخ پس از این سوء قصد نیز یاد کرده است.<sup>۱۹</sup>

در رساله *مجمع التهنانی* تألیف محمد طوسی (مرگ ۸۶۹ / ۱۴۶۴) اشاره‌ای به فرقه حروفیه شده، اما از فلسفه یا عقاید آنان سخنی نرفته است. محمد طوسی از شاعران و صاحب‌منصبان دربار بایسنقر (پسر شاهرخ) بود.<sup>۲۰</sup> او واقعه سوء قصد به شاهرخ را - مفصلاً - گزارش کرده و در گزارش خود کینه سوزان نسبت به حروفیان ابراز نموده است. محمد طوسی از دستگیری عضدالدین (دختر زاده فضل‌الله استرابادی) و کشتار حروفیان پس از سوء قصد به شاهرخ نیز خبر داده و از اقدامات رفاهی شاهرخ در جهت بهبود وضع مردم - به دنبال این سوء قصد - یاد کرده است. بعضی عبارات *زبدة التواریخ*، عیناً، در *مجمع التهنانی* تکرار شده است.<sup>۲۱</sup>

ابن حجر عسقلانی - (مرگ ۸۵۲ / ۱۴۴۹) در کتاب *انبیاء العر* باب‌نامه *العمر*، فضل‌الله را تبریزی و «یکی از زاهدان بدعت گذار» نامیده که «تیمور را به آیین خود خواند»، با این حال، وی از «آیین بدعت آمیز فضل‌الله» سخنی نگفته است. ابن حجر در پایان، گزارش ارزشمندی از محاکمه و قتل عمادالدین نسیمی ارائه داده است.<sup>۲۲</sup>

احمد بن سبط ابن العجمی (مرگ ۸۸۴ / ۱۴۷۹) در کتاب ارزشمند کنوز الذهب شرح جالبی از وضعیت جغرافیایی و اقتصادی شهر حلب و حوادث تاریخی - سیاسی این شهر به دست داده است. ابن عجمی که از فقهای بزرگ شافعی شهر حلب بود، در کتاب خود، روایت ابن حجر - درباره محاکمه و قتل عمادالدین نسیمی را - کاملاً نقل کرده است.<sup>۵۰</sup>

مطلع السعدین و مجمع البحرین. تألیف عبدالرزاق سمرقندی (به سال ۸۷۶ / ۱۴۷۱) یکی دیگر از منابع مهم دوره مورد مطالعه ماست. مؤلف در دستگاه تیموری، مقام و منزلتی بزرگ داشته و خود شاهد بسیاری از وقایع آن دوران بوده است. عبدالرزاق نیز کارد خوردن شاهرخ تیموری به دست احمد لر حروفی را گزارش کرده، اما از عقاید حروفیان سخنی نگفته است.<sup>۵۱</sup>

السيف المهند في تاريخ الملك المؤيد اثر محمود بن احمد العینی (تألیف سال ۸۳۰ / ۱۴۲۷) منبع ارزشمندی درباره خاندان و دوران حکومت سلطان مؤید (حاکم مصر تأییدکننده فتوای قتل عمادالدین نسیمی) می باشد. این کتاب تا حوادث سال ۸۱۹ / ۱۴۱۶ را گزارش کرده اما از فرقه حروفیه یا زندگی و مرگ عمادالدین نسیمی سخنی نگفته است.<sup>۵۲</sup>

مجمل التواریخ تألیف فصیحی خوانی (به سال ۸۴۶ / ۱۴۴۲) نوعی وقایعنامه یا سالشمار حوادث دوران تیموری است که به شاهرخ تیموری اهداء شده است. جلد سوم این کتاب به حوادث سیاسی - اجتماعی عصر شاهرخ و از جمله به واقعه سوء قصد به شاهرخ توسط احمد لر اشاره کرده است.<sup>۵۳</sup>

روضه الصفا تألیف میرخواند (به سال ۸۸۹ / ۱۴۸۰) تاریخ عمومی مفصلی است که جلد ششم آن اهمیت بیشتری برای موضوع مورد مطالعه ما دارد. میرخواند نیز به واقعه سوء قصد به شاهرخ تیموری اشاره نموده و روایات حافظ ابرو و عبدالرزاق سمرقندی را تکرار کرده است.<sup>۵۴</sup>

الضوء اللمع تألیف شمس الدین سخاوی (مرگ ۹۰۲ / ۱۴۹۲) یکی از منابع مهم درباره شخصیت‌های قرن نهم / پانزدهم است. سخاوی گزارش مقریزی و ابن حجر - درباره فضل الله استرابادی و عمادالدین نسیمی - را نقل کرده است.<sup>۵۵</sup>

در روضات الجنات اثر مغین الدین اسفزاری (تألیف سال ۸۹۹ / ۱۴۹۴) وقایع دوران شاهرخ تیموری و کارد خوردن او به وسیله احمد لر و دستگیری عده‌ای از شاعران به اتهام مشارکت در این سوء قصد ذکر شده، اما از عقاید حروفیان سخنی نرفته است.

به‌نظر می‌رسد که مؤلف، اطلاعات خود را از حافظ ابرو و دیگران اخذ کرده باشد.<sup>۵۶</sup>  
خواندمیر در حبیب السیر (تألیف سال ۱۹۰۶ / ۱۵۰۰) حوادث دوران تیموری و وقایع  
مربوط به حروفیان در زمان شاهرخ را گزارش کرده و در تکمیل اطلاعات خود، از منابع  
قدیمی نیز استفاده نموده، با این حال از عقاید آنان سخنی نگفته است.<sup>۵۷</sup>

تذکره مجالس العشاق اثر کمال‌الدین حسین گازرگاهی (تألیف سال ۱۹۰۸ / ۱۵۰۲)  
فخستین تذکره فارسی است که از اشعار و چگونگی قتل عمادالدین نسیمی یاد کرده است.  
موضوع این کتاب، توضیح عشق و عاشقی در نزد شاعران است که خالی از اغراق و  
مبالغه نیست. گازرگاهی به اقدامات حروفیان در زمان شاهرخ نیز اشاره کرده است.<sup>۵۸</sup>  
ابن ریاس (مرگ ۱۹۳۱ / ۱۵۲۴) در کتاب بدائع الزهور از حروفیه سخنی نگفته، اما  
در ذکر حوادث سال ۸۲۰ / ۱۴۱۷ مختصراً به عقاید و چگونگی قتل عمادالدین نسیمی در  
شهر حلب اشاره کرده است.<sup>۵۹</sup>

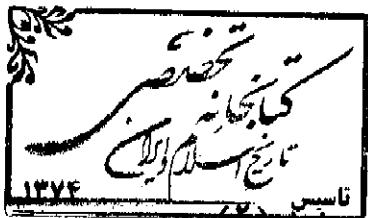
طاش کۆیری زاده (مرگ ۱۹۶۸ / ۱۵۷۰) در الشقایق النعمانیه شرح حال ۵۲۱ تن از  
علما و فقهای اسلامی در عصر عثمانی را ذکر کرده است. مؤلف، سالها قاضی القضاات  
شهر استانبول بوده و گزارشی ارزشمند از دستگیری، محاکمه و سوزاندن گروهی از  
بیروان فضل‌الله استرابادی - به تحریک محمود پاشا (صدر اعظم) و فخرالدین عجمی  
(مفتی شهر) - در زمان سلطان محمد عثمانی (۸۱۶ - ۸۲۵ / ۱۴۱۳ - ۱۴۳۲) به دست داده  
است.<sup>۶۰</sup>

حامدی اصفهانی - شاعر دربار عثمانی - در قصیده‌ای خطاب به محمود پاشا (صدر  
اعظم) از واقعه فوق - با نام «در اشارت به سوزاندن حروفیان در رم» - یاد کرده است.<sup>۶۱</sup>  
در همین زمان عبدالوهاب شعرانی (مرگ ۱۹۷۳ / ۱۵۶۱) در ایواقیات از کشتار زنادقه و  
پوست‌کندن ابوبکر نابلسی در قصر خیر داده و سپس به پوست‌کندن و قتل عمادالدین  
نسیمی در شهر حلب اشاره کرده است.<sup>۶۲</sup>

محمد پاشا نشانچی - مورخ دربار عثمانی - در کتاب تاریخ (به ترکی) از فعالیت  
حروفیان و سرکوب آنان در زمان سلطان سلیمان قانونی (مرگ ۱۹۷۴ / ۱۵۶۶) یاد کرده  
است.<sup>۶۳</sup>

قسی‌الدین کاشی در تذکره مفصل خلاصه الاشعار (تألیف سالهای آخر قرن ۱۰ /  
۱۶) از زندگی و اشعار عمادالدین نسیمی سخن گفته است.<sup>۶۴</sup>

حافظ حسین کربلایی به سال ۱۹۷۵ / ۱۵۶۷ در روضات الجنان در ذکر مزار پیر  
تراپی (حروفی) از عمادالدین نسیمی یاد کرده و سپس به قیام گروهی از حروفیان



به رهبری دختر فضل الله استرابادی در زمان جهانشاه قراقونیلو (به سال ۸۴۵ / ۱۴۴۱) و قتل و سوزاندن آنان به فتوای فقها اشاره کرده است.<sup>۲۸</sup>

عاشق چلبی در کتاب تذکره (به ترکی) تألیف سال ۹۷۷ / ۱۵۶۹ از عمادالدین نسیمی یاد کرده است که «منصور وارسر بر دار شهادت نهاد».<sup>۲۹</sup>

احسن التواریخ تألیف حسن بیگ روملو (به سال ۹۸۵ / ۱۵۷۷) برای آگاهی از حوادث سیاسی - اجتماعی فواحی آذربایجان (حکومتشاهی قراقونیلو و آق قونیلو) و وقایع دوران سلاطین عثمانی در همین عصر، بسیار ارزشمند است. روملو گزارش ارزنده‌ای از چگونگی دستگیری و قتل عمادالدین نسیمی به دست داده که گویا از کتاب مجالس العشاق اخذ کرده است. روملو در ذکر وقایع سال ۸۳۰ و ۸۴۶ / ۱۴۲۷ و ۱۴۴۲ از کارد خوردن شاهرخ تیموری به دست احمد لُر و از قیام حروفیان و کشتار آنان در زمان جهانشاه قراقونیلو یاد کرده است. نکته جدید این که: روملو از قیام گروهی از حروفیان اصفهان به رهبری حاجی سرخ در سال ۸۳۵ / ۱۴۳۳ خبر داده که در منابع دیگر نیست.<sup>۳۰</sup>

لطیفی (مرگ ۹۹۱ / ۱۵۸۲) در تذکره (به زبان ترکی) از زندگی و اشعار عمادالدین نسیمی یاد کرده، اما از فرقه حروفیه یا فضل الله استرابادی سخنی نگفته است. لطیفی همچنین به زندگی و اشعار شاعر دیگری به نام تمنایی اشاره کرده که به جرم حروفی بودن در زمان سلطان بایزید دوم عثمانی (مرگ ۹۱۸ / ۱۵۱۲) دستگیر و سوزانده شد.<sup>۳۱</sup>

در سال ۱۰۰۷ / ۱۵۹۸ مصطفی عالی افندی در کتاب کُنّه الاخبار از دستگیری و آتش زدن حروفیان در زمان سلطان محمد عثمانی یاد کرده که به نظر می‌رسد آن را از شقایق النعمانیه اخذ کرده باشد. کتاب او از مهمترین منابع دوره عثمانی است زیرا مؤلف در عصر چهار سلطان عثمانی زیسته و به عنوان مثنوی دربار، مشاهدات خود را تحریر کرده است.<sup>۳۲</sup>

ملا حسری تبریزی به سال ۱۰۱۱ / ۱۶۰۱ روایت روضات الجنان - درباره مزار پیر ترابی و قیام حروفیان در زمان جهانشاه قراقونیلو را - در کتاب روضه اطهار تکرار کرده و شعری از فضل الله استرابادی را به نام دختر وی ثبت کرده است.<sup>۳۳</sup>

تقی الدین اوحدی در تذکره عرفات العاشقین (تألیف حدود ۱۰۲۳ / ۱۶۱۳) به زندگی و عقاید فضل الله استرابادی و عمادالدین نسیمی اشاره نموده و تعدادی از اشعار آنان را ذکر کرده است.<sup>۳۴</sup>

در همین زمان میرزا مخدوم در کتاب النواقض لبیان الروافض ضمن انتقاد از فرقه‌های شیعه، به زندگی فضل الله حروفی نیز اشاره کرده و عقاید وی را شدیداً مورد انتقاد قرار

ششم

۵۰

وقایع

منابع

(۱۵۰)

ست

ق و

اما

ن در

ن از

سات

ن از

جمی

داده

صدر

۳۱

قه و

دین

لیت

کرده

/۱۰

پیر

لیان

داده است.<sup>۷۲</sup>

حاجی خلیفه (مرگ ۱۰۶۷ / ۱۶۵۷) در کشف الظنون<sup>۷۳</sup> و خصوصاً محمد بن دارابی شیرازی به سال ۱۰۷۶ / ۱۶۶۶ در لطایف الخیال<sup>۷۴</sup> و ابن عماد حنبلی به سال ۱۰۸۰ / ۱۶۷۰ در کتاب شدّرات الذهب<sup>۷۵</sup> نیز از اشعار و سرفروشت فضل‌الله استرآبادی و عمادالدین نسیمی یاد کرده‌اند.

پ - منابع دست دوم:

تذکره نویسان متأخر نیز اشاراتی به فرقه حروفیه و زندگی و اشعار شاعران و متفکران آن نموده‌اند که عموماً از منابع دست اول اقتباس شده‌اند از جمله:

علی‌قلی‌خان داغستانی به سال ۱۱۶۱ / ۱۷۴۸ در ریاض الشعراء از زندگی و اشعار نسیمی یاد کرده که به نظر می‌رسد آن را از عرفات العاشقین اخذ کرده باشد.<sup>۷۶</sup>

رضاقلی‌خان هدایت به سال ۱۲۶۰ / ۱۸۴۲ در ریاض العارفین ضمن آوردن اشعاری از فضل‌الله استرآبادی و عمادالدین نسیمی، از زندگی و قتل آنان یاد کرده است.<sup>۷۷</sup> هدایت، به اشتباه، سال قتل نسیمی را ۸۳۷ / ۱۴۳۴ ذکر کرده. وی در مجمع الفصحا نیز از عمادالدین نسیمی یاد کرده است.<sup>۷۸</sup>

در اوایل دهه ۱۲۸۰ / ۱۸۶۴ قراقاش زاده در کتاب نورالهدی لمن اهتدی به حروفیه اشاره نموده و از آنان انتقاد کرده است.<sup>۷۹</sup>

به سال ۱۲۸۸ / ۱۸۷۱، اسحق افندی در کتاب کاشف الاسرار (به ترکی) ضمن انتقاد از حروفیه و بکتاشیه، کینه سوزانی نسبت به آنان ابراز کرده. این کتاب، در واقع، رده‌ای است بر عشق نامه عبدالمجید فرشته زاده (یکی از حروفیان معروف عثمانی) و در آن، عقاید حروفیه و بکتاشیه، شدیداً، مورد انتقاد قرار گرفته است. علی‌رغم لحن دشمنانه، کاشف الاسرار به خاطر داشتن اطلاعاتی درباره عقاید و آیینهای حروفیان، بسیار ارزشمند است. اسحق افندی به رابطه بکتاشیه و حروفیه تأکید نموده و از قتل عام حروفیان در زمان سلطان محمود خان عثمانی (به سال ۱۲۴۰ / ۱۸۲۴) یاد کرده است.<sup>۸۰</sup>

در همین زمان جویری چلبی در تاریخ جویری چلبی (به ترکی) از دستگیری و سوزاندن گروهی از حروفیان در زمان سلطان محمد اول عثمانی یاد نموده که به نظر می‌رسد از شقایق النعمانیه اقتباس کرده باشد.<sup>۸۱</sup>

محمد رفعت نیز در همین دوران در کتاب مرآت المقاصد فی دفع المفاسد، فصل مستقلی به معنای حروف و جایگاه آن در عقاید حروفیان اختصاص داده و سپس به عقاید فضل‌الله استرآبادی و عمادالدین نسیمی اشاره کرده است. این کتاب در شناخت بعضی

جنبش حروفیه، بررسی منابع و مآخذ و تحقیقات جدید (۲)

عقاید و آیینهای یکتاشی نیز بسیار ارزشمند است.<sup>۸۲</sup>  
مؤلف تذکره روز روشن (تألیف سال ۱۲۹۶ / ۱۸۷۸) ضمن نقل تعدادی از غزلیات عمادالدین نسیمی، به قتل فجیع او اشاره نموده و شعر میر فرخی گیلانی را در این باره ذکر کرده است.<sup>۸۳</sup>

در ریحانة الادب،<sup>۸۴</sup> شمع انجمن،<sup>۸۵</sup> تذکره الشعراء،<sup>۸۶</sup> صبح گلشن،<sup>۸۷</sup> فارسنامه ناصری،<sup>۸۸</sup> و آثارعجم<sup>۸۹</sup> نیز از زندگی، اشعار و سرنوشت فضل الله نسیمی و عمادالدین نسیمی یاد شده است.

کتاب نهرالذهب فی تاریخ حلب تألیف محمد کامل الغزوی اطلاعات با ارزشی درباره جغرافیا و حوادث تاریخی شهر حلب به دست داده است. در جلد دوم این کتاب، به قتل عمادالدین نسیمی در شهر حلب به سال ۱۲۰ / ۱۴۱۷ اشاره شده و در جلد سوم از حکومت سلطان مؤید (سلطان مصر) و شبک (حاکم شهر حلب به هنگام محاکمه و قتل نسیمی) یاد شده است.<sup>۹۰</sup>

محمد راغب الطباخ در کتاب ارزشمند اعلام النبلاء بسیاری از وقایع مهم تاریخی و سیاسی شهر حلب را گرد آورده و در این مورد به منابع و مآخذ دست اول استناد کرده است. جلد دوم این کتاب (در باره حمله تیمور به حلب و ایام حکومت سلطان مؤید) و خصوصاً جلد سوم آن برای مطالعه ما بسیار ارزشمند است. الطباخ در ذکر قتلگاه عمادالدین نسیمی، روایت ابن العجمی - درباره چگونگی محاکمه و قتل نسیمی - را نقل کرده است.<sup>۹۱</sup>

محمد علی تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان از فضل الله استرآبادی نیز یاد کرده و بدون ذکر مآخذ به قیام حروفیان - به رهبری دختر فضل الله - در زمان جهانشاه قراقرینلو اشاره نموده است.<sup>۹۲</sup>

اسماعیل پاشا بغدادی نیز در هدیه العارفین بعضی کتابهای فضل الله حروفی و سال تولد و مرگ او را ذکر کرده است.<sup>۹۳</sup>

ت - منابع عمومی:

(درباره اوضاع سیاسی - اجتماعی دوران موضوع تحقیق)

ظفرنامه تألیف شرف الدین علی یزدی (به سال ۱۲۸ / ۱۴۲۴) تاریخ رسمی دوره تیموریست که در قسمتهایی بر اساس کتاب ظفرنامه شامی (تألیف ۸۰۷ / ۱۴۰۴) قرار دارد. مؤلف کتاب، خود شاهد بسیاری از حوادث دوران تیمور و شاهرخ بوده است. لذا این کتاب در درک شرایط اجتماعی و سیاسی این دوران بسیار ارزشمند می باشد.<sup>۹۴</sup>



کتاب ابن عرب‌شاه با نام عجایب المقدور فی نواب تيمور (تالیف سال ۸۵۰ / ۱۴۳۶) نیز از منابع مهم این دوران است. مؤلف خود از جمله کسانی بوده است که در فتح دمشق به دست تيمور (به سال ۸۰۴ / ۱۴۰۱) به سمرقند کوچانیده شد. او سپس به سرزمین عثمانی - نزد سلطان محمد اول - رفت. کتاب ابن عرب‌شاه شرح جنگها، خونریزها و حوادث سیاسی دوران تيمور است با آن که کمی اغراق آمیز نوشته شده، دارای ارزش تاریخی بسیار است. این کتاب، همچنین، برای آگاهی از احوال سلاطین عثمانی، آق‌قویونلو و قراقویونلو قابل توجه است.<sup>۱۵</sup>

تزوکات تيموری تالیف یا تحریر، ابوطالب حسینی تربتی حاوی اطلاعات تاریخی، اجتماعی و اقتصادی ارزنده درباره دوران تيموری است و ما را با مناسبات اقتصادی و اشکال تزوکات (سازمانها و نهادهای اجتماعی، مالیاتی و نظامی) این زمان آشنا می‌کند.<sup>۱۶</sup>

ملفوظات صاحبقران منسوب به ابوطالب حسینی تربتی که شامل سخنان، کردارها و فرمانهای تيمور است. در این کتاب، بسیاری از مطالب تزوکات تيموری تکرار شده، با این حال، دارای اطلاعات مهمی درباره تيمور و دوران حکومت اوست که در کتاب تزوکات وجود ندارد.<sup>۱۷</sup>

منشأ الانشاء اثر نظام الدین عبدالواسع نظامی نیز مأخذ بسیار باارزشی است که حاوی اطلاعات مفید درباره انواع مالیاتها، حرفه‌ها و پیشه‌های رایج در دوران تيموری می‌باشد.<sup>۱۸</sup>

در همین زمان، جهانگرد معروف اسپانیایی کلاویخو، در سفرنامه‌اش اطلاعات ارزنده‌ای از اوضاع اجتماعی ایران در زمان تيمور به دست داده است. فصلهای دوازدهم تا چهاردهم این کتاب (درباره شهر سمرقند) برای مطالعه ما دارای اهمیت بیشتری است.<sup>۱۹</sup> یوسف بن تغری بردی (مرگ ۸۷۴ / ۱۴۷۰) در دو کتاب المنهل الصافی و النجوم الزاهرة اطلاعات ارزنده‌ای از شخصیتها و وقایع سیاسی - اجتماعی این دوران - خصوصاً وقایع ایام حکومت سلطان مؤید به دست داده است.<sup>۲۰</sup>

کتاب دیار بکره تالیف قاضی ابوبکر طهرانی. تنها کتاب مستقل درباره حکومت‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو به شمار می‌رود. این کتاب در سال ۸۷۵ / ۱۴۷۰ تالیف شده و اوضاع سیاسی - اجتماعی آذربایجان و عثمانی (مناطق فعالیت حروفیان) در قرن ۱۵/۹ را گزارش کرده است.<sup>۲۱</sup>

تذکره الشعراء تالیف دولتشاه سمرقندی. (به سال ۸۹۶ / ۱۴۹۱) درباره احوال

۴  
(۱)  
ق  
بن  
و  
ش  
'  
'  
و  
نا  
و  
با  
با  
بی  
بی  
ت  
تا  
''  
م  
م  
ار  
ن  
رن  
ال

جنبش حروفیه، بررسی منابع و مآخذ و تحقیقات جدید (۲)

شاعران این دوران و ذکر بعضی وقایع عصر تیمور و شاهرخ بسیار مفید است. مؤلف، متأسفانه، به احوال و اشعار عمادالدین نسیمی با فضل الله استرابادی، اشاره‌ای نکرده است.<sup>۱۲</sup>

لُب التواریخ تألیف یحیی قزوینی نیز از منابع با ارزش این دوران است که حوادث مهم تاریخی را تا سال ۱۶۴۸ / ۱۵۴۱ گزارش کرده و اطلاعات فشرده و جالبی دربارهٔ حکومت‌های تیموری، قراقوینلو و آق قوینلو به دست داده است.<sup>۱۳</sup>

در پایان این بخش باید به تحقیقات وودز (Woods)<sup>۱۴</sup> تاور (Taver)<sup>۱۵</sup> سومر (Sumer)<sup>۱۶</sup> و هینس (Hinz)<sup>۱۷</sup> اشاره کرد که دربارهٔ منابع تاریخی دورهٔ تیموری، شناخت اوضاع اجتماعی - سیاسی منطقهٔ آذربایجان و حکومت‌های آق قوینلو و قراقوینلو بسیار ارزشمند می‌باشند.

پاریس

یادداشتها:

- ۳۷ - بیان‌الواقع، نسخهٔ خطی کتابخانهٔ ملک، به شمارهٔ ۴۸۵۰. دربارهٔ این رساله نگاه کنید به: Gölpınarlı: *Hurūfīlik Metinleri Kataloğu*, pp. 79-80, 106.
- ۳۸ - استوانه، نسخهٔ خطی کتابخانهٔ ملی پاریس، به شمارهٔ 24: ancien fonds Persan.
- ۳۹ - «نامه‌ای از پسر فضل‌الله حروفی»، نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تبریز، شمارهٔ ۲، سال ۱۹، ۱۳۴۶، صص ۱۷۵-۱۱۷. این نامه به همت دکتر حسین آلیاری از بخش نسخ خطی کتابخانهٔ ملت (استانبول) به دست آمده است. همچنین نگاه کنید به: Gölpınarlı: *Hurūfīlik Metinleri Kataloğu*, p56.
- ۴۰ - دربارهٔ رفیعی نگاه کنید به: Gibb, E.E.W: *A History of Ottoman Poetry*, vol:1, London, 1900, pp 369-380.
- ۴۱ - بشارت‌نامه، نسخهٔ خطی کتابخانهٔ دانشگاه کمبریج، به شمارهٔ 569. Or.
- ۴۲ - گنجنامه، استانبول، ۱۱۴۶.
- ۴۳ - عشق‌نامه، عبدالمجید فرشته اوغلو، چاپ سنگی، محل چاپ؟، ۱۲۸۸، ۱۲۷ صفحه.
- ۴۴ - صلوات‌نامه، نسخهٔ خطی کتابخانهٔ ملت: علی امیری (استانبول)، به شمارهٔ ۱۰۴۳. دربارهٔ این نسخهٔ خطی نگاه کنید به: Gölpınarlı: *Hurūfīlik Metinleri Kataloğu*, pp. 98-100.
- ۴۵ - الفیء اللامع لاهل القرن التاسع، ج ۳ (جزء ۶)، بیروت، بدون تاریخ، صص ۱۷۳-۱۷۴.
- ۴۶ - زبدة التواریخ بایسنری، نسخهٔ خطی کتابخانهٔ ملک تهران، به شمارهٔ ۴۱۶.
- ۴۷ - دربارهٔ محمد طوسی نگاه کنید به: تذکرة الشعراء، دولت‌شاه سمرقندی، به همت محمد رضایی، انتشارات کلالهٔ خاور، تهران، ۱۳۴۸، صص ۳۴۱-۳۴۷.
- ۴۸ - مجمع التهانى و محضر الامانى، نسخهٔ خطی کتابخانهٔ ملک تهران، به شمارهٔ ۴۷۷. دربارهٔ این رساله نگاه کنید به: مجموعهٔ رسائل فارسی وزیر نظر مایل هروی، دفتر سوم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، تهران، تابستان ۱۳۷۲ش.

- ۴۹ - انباء الغرر باباء العمر، تحت مرآة سيد عبدالوهاب البخاري، ج ۷، بيروت ۱۹۸۶/۱۴۰۶، ص ۴۷ و ۲۷۲۶۹.
- ۵۰ - كنوز الذهب في تاريخ حلب، نسخة مكملة دارالكتب قاهره، به شماره ۱۹۳۸ ح (در سه جلد). نسخه خطی کتابخانه واتیکان به شماره Arabi. MS. No. 235 تنها فصل ۶ تا ۱۲ را شامل است که اطلاعاتی درباره مدارس، مساجد، خیابانها و آبادانی شهر حلب به دست می دهد.
- ۵۱ - مطلع المدین و مجمع البحرین، ج ۲، به تصحیح محمد شفیق، چاپ لاهور، ۱۹۴۱، ص ۵۸۳-۵۹۲.
- ۵۲ - السیف المہند فی تاریخ الملک المؤید، نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس، به شماره Ar.1723، خصوصاً فصل دهم، برگهای ۵۴-۶۰.
- ۵۳ - مجمل التواریخ، ج ۳، به تصحیح محمود فرخ، کتابفروشی باستان، مشهد، ۱۳۳۹ش، خصوصاً ص ۲۶۱.
- ۵۴ - روضة الصفا، ج ۶، کتابفروشی مرکزی، تهران، خصوصاً ص ۶۹۰-۶۹۴.
- ۵۵ - الفهره اللامع لاهل القرن التاسع، ج ۳ (جزء ۶) بیروت، بدون تاریخ، ص ۱۷۳-۱۷۴.
- ۵۶ - روضات الجنات فی اوصاف مدينة هرات، بخش دوم، تصحیح سید کاظم امام، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ش، ص ۸۶۸-۸۶۹.
- ۵۷ - حیب السیر، ج ۳، کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۳۳ش، ص ۶۱۵-۶۱۷.
- ۵۸ - مجالس العشاق، نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس، به شماره suppl. Persan, no.1559 برگهای ۱۶۸-۱۶۵.
- ۵۹ - بدایع الزهور فی وقایع الدهور، ج ۲، قاهره، ۱۹۸۴، ص ۳۶.
- ۶۰ - الشفایق النعمانیة فی علماء الدولة عثمانیة، به تصحیح احمد صبحی فرات، استانبول، ۱۹۸۵، ص ۶۵۹-۶۶۰.
- ۶۱ - کلیات دیوان مولانا حامدی، با مقدمه و تصحیح اسماعیل حکمت، استانبول، ۱۹۴۹، ص ۹-۱۰، ۲۸۴. درباره حامدی اصفهانی نگاه کنید به سید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران، ج ۲، انتشارات فروغی، تهران، ۱۳۴۴، ص ۷۹۲-۷۹۳. همچنین به مقدمه فاضلانة اسماعیل حکمت بر کلیات دیوان حامدی، ص ۱-۶۹ و نیز نگاه کنید به: *Türk Ansikloedisi*, vol.18, Ankara, 1959, pp. 440-441.
- ۶۲ - البوائیت والجواهر، ج ۱، مصر، ۱۳۷۸هـ، ص ۱۵.
- ۶۳ - شنانچی تاریخی، استانبول، ۱۳۷۹هـ، ص ۲۳۴-۲۳۸.
- ۶۴ - خلاصة الأشعار وزبدة الأفكار، نسخه خطی کتابخانه فخرالدین نصیری امینی، رکن سوم. با تشکر از دوست فاضلم دکتر حسن تورجانی که فتوکی این نسخه را در اختیار گذاشته اند.
- ۶۵ - روضات الجنان و جنات الجنان، به تصحیح جعفر سلطان القرائی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۴ش، ص ۴۸۱-۴۷۸.
- ۶۶ - عاشق جللی تذکره سی (مشاعر الشعراء)، نشر گ.م. مردیث اولس، لندن، ۱۹۷۱، ورق ۱۳۳۵.
- ۶۷ - احسن التواریخ، به اهتمام عبدالحسین فواتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۹ش، ص ۱۹۲-۱۹۴.
- ۲۰۲، ۲۱۶-۲۱۰ و ۲۴۹.
- ۶۸ - تذکره، کتابخانه اقدام، کنستان نینویل، ۱۳۱۴هـ، ص ۱۱۰-۱۱۱ و ۳۳۲-۳۳۳.
- ۶۹ - کنه الاخبار برکن چهارم، کنستان نینویل، ص ۱۸۲-۱۸۳. برای آگاهی از ارزش تاریخی این کتاب، نگاه کنید به تحقیق ارزشمنند:

Jan Schmidt: *Pure Water for Thirsty Muslims, A Study of Mustafā' Ali of Gallipoli's Kūnhul-Akbār*, Leiden, 1991

- ۷۰ - روضة اطهار، چاپ سنگی، تبریز، ۱۳۰۳ هـ، ص ۷۲.
- ۷۱ - عرفات العاشقین، نسخه خطی کتابخانه ملک، به شماره ۵۲۳۴.
- ۷۲ - النواقض لبیان الروافض، نسخه خطی موزه بریتانیا، به شماره Or. 7991.
- ۷۳ - کشف الظنون، ج ۱، طبع بغداد، ۱۹۴۱، ص ۸۱۷.
- ۷۴ - لطایف الخیال، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، به شماره ۴۳۲۵.
- ۷۵ - شذرات الذهب، ج ۷، قاهره، ۱۳۵۱ هـ، ص ۱۴۴.
- ۷۶ - ریاض الشعراء، نسخه خطی کتابخانه ملک، به شماره ۱۵۳۱.
- ۷۷ - ریاض العارفين، کتابفروشی مهدیه، تهران، ۱۳۱۶، ص ۶۰۷-۴۰۶.
- ۷۸ - مجمع الفصحاء، ج ۲، به کوشش مظاهر معصفا، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۶ ش، ص ۵۵.
- ۷۹ - نورالهدی لمن اهتدی، استانبول، ۱۲۸۸ هـ، ص ۱۹-۲۳.
- ۸۰ - کاشف الاسرار و دافع الاشرار، استانبول، ۱۲۹۱ هـ.
- ۸۱ - تاریخ جویری جلیبی، جزء دوم، استانبول، ۱۲۹۲ هـ، ص ۶۴-۶۳.
- ۸۲ - مرآت المقاصد فی دفع المقاصد، استانبول، ۱۲۹۳ هـ، ص ۱۲۵-۱۵۵، مخصوصاً صفحات ۱۳۲-۱۳۶، ۱۴۷-۱۴۸.
- ۸۳ - مولوی محمد مظفر حسین صبا، تذکره روز روشن، به تصحیح و کزنزاده آدمیت، کتابفروشی رازی، تهران، ۱۳۴۴ ش، ص ۸۱۸-۸۲۰.
- ۸۴ - میرزا محمد علی مدرس، رحمة الادب، ج ۶، تبریز، بدون تاریخ، ص ۱۷۴، ۲۱۸، ۲۲۰.
- ۸۵ - سید محمد صدیق حسن خان بهادر، شمع انجمن، چاپ سنگی، کلکته، ۱۲۹۲ هـ، ص ۴۶۷.
- ۸۶ - ملا عبدالنسی، تذکره الشعراء، چاپ سنگی، علیگر، ۱۹۱۶، ص ۱۳۵ و ۱۳۸.
- ۸۷ - سید علی حسن خان بهادر (سلیم)، صبح گلشن، چاپ سنگی، کلکته، ۱۲۹۵ هـ، ص ۵۳۴-۵۴۳.
- ۸۸ - میرزا حسن حسینی فسانی، فارسنامه ناصری، انتشارات سنائی، تهران، بدون تاریخ، ص ۱۵۱.
- ۸۹ - فرصت الدولة شیرازی، آثار عجم، انتشارات بامداد، تهران، ۱۳۱۲، ص ۱۳۱.
- ۹۰ - نهر الذهب فی تاریخ حلب، طبع حلب، بدون تاریخ، ج ۱، ص ۱۶-۲۰ و ۱۱۴-۱۰۱؛ ج ۲، ص ۴۳۸ ج ۲، ص ۲۲۶ و ۲۴۲.
- ۹۱ - اعلام النبلاء بتاریخ حلب السبباء، طبع حلب، ۱۴۰۸ هـ، ج ۲، ص ۳۸۷-۴۴۰؛ ج ۳، ص ۱۴-۱۵ و خصوصاً صفحات ۱۶-۱۷.
- ۹۲ - دانشمندان آذربایجان، طبع مجلس، ۱۳۱۴ ش، ص ۳۸۸-۳۸۶.
- ۹۳ - هدیه العارفين، ج ۱، استانبول، ۱۹۵۱، ص ۸۲۲.
- ۹۴ - مظرفامه، به اهتمام محمد عباسی، ج ۱ و ۲، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۶ ش.
- ۹۵ - عجایب المقدور فی نواب تیمور، بیروت، ۱۹۸۶، متن فارسی-تذنگی شگفت انگیز تیمور، ترجمه محمد علی نجانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۶ ش.
- ۹۶ - تزو کات تیموری، از روی نسخه چاپی اکسفورد، کتابفروشی اسدی، تهران، ۱۳۴۲ ش.

- ۱۷ - محفوظات صاحب قرآن، نسخه خطی موزه بریتانیا، به شماره Add.7574.
- ۱۸ - منشأ الانشاء، به کوشش رکن الدین هما یونفریح، ج ۱، انتشارات دانشگاه ملی، تهران، ۱۳۵۷ش.
- ۱۹ - Clavijo, R. G: "La route de Samarqand in temps de Tamerlan" traduit en français - 11 par lucien kehre, Imprimerie nationale editions, Paris, 1990.
- متن فارسی: سفرنامه ترجمه مسعود رحیب نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۷ش.
- ۱۰۰ - الشهل الصافی، ج ۲، به تصحیح محمد امین، ۱۱۹۸ هجری الزاهر، فی ملوک مصر والقاهره، ج ۱۴، مصر، ۱۳۶۱هـ.
- ۱۰۱ - کتاب دیار بکرته، به تصحیح نجائی لوغال و فاروق سومر، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۵۶ش.
- ۱۰۲ - تذکرة الشعراء، به اهتمام محمد رمضان، کتابفروشی کلاله خاور، تهران، ۱۳۳۸ش.
- ۱۰۳ - لب التواریخ، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۱۴هـ.
- ۱۰۴ - Woods, J.G: "The Rise of the Timurid Historiography" in: *Journal of Near Eastern Studies*, Chicago, 1987, pp 81-108, *The Aqqyulu clan confederation Empire*, Chicago, 1976.
- ۱۰۵ - «تاریخنگاری دوره تیموریان»، ترجمه وهاب ولی، در: مجله تحقیقات اجتماعی، سال اول، شماره ۳، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸، صص ۲۷۹-۳۰۴.
- ۱۰۶ - سزمر، ف: آق قویونلوها ترجمه وهاب ولی، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۰۷ - هینس، و: تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه کیکاوس جهاندار، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۵۸.
- ۱۰۸ - Browne, E.G.: "Some Notes of the Literature and Doctrines of the Hurūfi Sect" in: *Journal of the Royal Asiatic Society*, London, 1898, pp. 61-94; "Further Notes on the Literature of the Hurūfis and their connection with the Bektashi order of Dervishes" in *J.R.A.S. London*, 1907, pp. 533-581; *A Literary History of Persia*, vol.3, Cambridge, 1920, pp. 365-375, 449-452.
- همچنین ترجمه فارسی این کتاب: تاریخ ادبی ایران، ج ۳، ترجمه علی اصغر حکمت، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷ش، صص ۵-۵۲۳ و ۶۶۱-۶۵۶.
- ۱۰۹ - Gibb, E.J.W: *A History of Ottoman Poetry*, vol.1, London, 1900, pp. 336-380
- ۱۱۰ - Huart, C. *Textes Persans Relatifs à la Sectes des Houroufis*, pp. i-xxi; *Encyclopédie de l'Islam*, Tome 2, 1927, pp. 359-360